



Analysis of the components of inclusive education for students with special needs In Iranian

Hayedeh Behboodi, Mojtaba Moazami, Seyed Mahmoud Hashemi

¹PhD student in Policy-Making, Culture, Unity, Tehran, North, Islamic Azad University, ²Assistant Professor, Department of Management, Higher Education, Faculty of Management, North Tehran Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran

³Assistant Professor, Department of Business Management, Faculty of Management, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

The purpose of this study is to identify the dimensions and components of inclusive education for students with special needs in education. The research method was qualitative, which was done descriptively and content analysis with heuristic inductive approach. In this study, until data saturation, 10 experts and professors of exceptional child psychology and educational management who had previously done research in the field of inclusive education and educational and cultural policy for exceptional children were selected and semi-structured interviews were conducted with them. Also, data analysis was performed with open, axial and selective coding using MAXQDA 2018 software. The obtained results were identified as a total of 7 dimensions, 16 components and 40 indicators for inclusive education in education. in between the dimensions of training and empowerment of the forces through holding training courses. Therefore, it is worthwhile to identify the existing conflicts by using the results of this research and their application in provincial and staff planning and in order to create equal educational opportunities for all children and students with special needs, measures should be taken to include all people from different cultures and social levels with a wide range of abilities and disabilities.

Keywords: Exceptional education, Inclusive education, Students with special needs

واکاوی مؤلفه‌های آموزش فراگیر برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در آموزش و پرورش ایران

هایده بهبودی، مجتبی معظمی*، سید محمودهاشمی
^۱ دانشجوی دکتری سیاست گذاری فرهنگی واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
^۲ استادیار، گروه مدیریت آموزش عالی، دانشکده مدیریت، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
^۳ استادیار، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های آموزش فراگیر برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در آموزش و پرورش ایران است. روش پژوهش کیفی، از نوع توصیفی و تحلیلی مضمون با رویکرد استقرایی اکتشافی بود. در این پژوهش تا اشباع داده‌ها از ۱۰ نفر از متخصصان و استادان مدیریت آموزشی و روانشناسی کودکان استثنایی که در زمینه آموزش فراگیر و سیاست‌گذاری‌های آموزشی و فرهنگی برای کودکان استثنایی کار پژوهشی انجام داده بودند، انتخاب و مصاحبه نیمه ساختارمند با آن‌ها انجام شد. همچنین تجزیه و تحلیل داده‌ها با کدگذاری باز، محوری و انتخابی با استفاده از نرم‌افزارهای MAXQDA 2018، انجام گرفت. نتایج به دست آمده در مجموع ۷ کد انتخابی، ۱۶ کد محوری و ۴۰ کد باز برای آموزش فراگیر در آموزش و پرورش شناسایی گردید. ابعاد به دست آمده شامل توسعه سرمایه‌های فرهنگی؛ توسعه منابع انسانی؛ ارتباط بین خانواده و مدرسه؛ آماده‌سازی زیرساخت‌های آموزشی؛ پاسخگویی به نیازهای آموزشی؛ نظارت و پیگیری مستمر؛ تعامل مستمر با آموزش و پرورش عادی است که در بین ابعاد به دست آمده توانمندسازی و ارتقای علمی معلمان آموزش و پرورش عادی و استثنایی از طریق برنامه‌ریزی‌های آموزشی در درجه اولویت بیشتری قرار دارد؛ بنابراین شایسته است با استفاده از نتایج این پژوهش و کاربری آن در برنامه‌ریزی ستادی و استانی، تعارضات موجود را شناسایی و در راستای ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی و پرورشی برای تمامی کودکان و دانش‌آموزان با نیازهای ویژه اقدام شود تا بتوانند، تمام افراد از فرهنگها و سطوح اجتماعی مختلف، با طیف گسترده‌ای از توانایی‌ها و ناتوانی‌ها را در برگیرد.

کلمات کلیدی: آموزش و پرورش استثنایی، آموزش فراگیر، دانش‌آموزان نیازهای ویژه

مقدمه

آموزش و پرورش یکی از مهم‌ترین نهادهای فرهنگی هر جامعه‌ای است که وظیفه اجتماعی کردن و انتقال دانش را به افراد جامعه بر عهده دارد. میزان توجه و سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش در میان کشورهای مختلف از جمله شاخص‌های عمده برای بررسی وضعیت توسعه‌یافتگی جوامع انسانی محسوب می‌شود و توجه به آموزش و پرورش کودکان و دانش‌آموزان با نیازهای ویژه، حاکی از رعایت و اعتقاد به عدالت اجتماعی و آموزشی است. در حال حاضر در سراسر دنیا بسیاری از کودکان از آموزش و پرورش مناسب محرومند و گروهی از این کودکان، کسانی هستند که به نوعی دچار ناتوانی و نارسایی‌اند که در انجام فعالیت‌های روزانه مناسب سن و موقعیت اجتماعی فرهنگی خود، دچار ضعف یا محدودیتند؛ به طوری که تخمین زده می‌شود که بیش از ۶۰۰ میلیون نفر با نیازهای ویژه در جهان زندگی می‌کنند که حداقل ۸۰٪ آن‌ها در کشورهای در حال توسعه، زندگی می‌کنند. طبق آمارها تنها ۱۱۵ میلیون نفر از این افراد، کودکانی که کمتر از ۲٪ آن‌ها از خدمات آموزشی و توان‌بخشی بهره‌مندند (Hendi & Hemati, 2019). براساس دیدگاه یونسکو یادگیری در قرن حاضر بر چهار ستون استوار است: یادگیری چگونه زیستن، یادگیری با هم زیستن، یادگیری چگونه انجام دادن، یادگیری چگونه آموختن (Maleki, 2015). فراهم کردن فرصت‌های آموزشی و دسترسی به آن، جزئی از عدالت آموزشی است و یکی از مؤثرترین راه‌های تحقق آن، تأمین فرصت‌های یکسان برای دسترسی عموم افراد جامعه به آموزش و پرورش است؛ زیرا همه حق دارند از آموزش و پرورش یکسان برخوردار گردند. آموزش و پرورش می‌تواند با فراهم کردن فرصت‌های آموزشی یکسان، عدالت را در جامعه توسعه دهد و رسیدن به عدالت آموزشی برای تمام جوامعی که آموزش و پرورش را جزئی مهم در زندگی افراد می‌دانند، امری اصلی به شمار می‌رود (Eslami, 2019)؛ به عبارت دیگر دستیابی به عدالت همه‌جانبه در گرو تحولی بزرگ

در نظام آموزشی است که از آن به عنوان فراگیرسازی در آموزش و پرورش یاد می‌شود. علاوه بر این، یکی از راهکارهای اساسی برای دستیابی به عدالت اجتماعی، تسهیل آموزش همه‌جانبه برای همگان در گستره حیات است که در قلمرو آموزش و پرورش فراگیر با تأکید بر حق متفاوت بودن، برابری فرصت‌ها و توجه به توانایی‌های گوناگون قابل دستیابی است (Ashori & Behpajoo, 2014).

قانون عمومی ۱۴۲-۹۴ در آمریکا (آموزش برای همه کودکان استثنایی) از جمله قوانینی است که برای همه دانش‌آموزان فرصتی فراهم کرد تا به آموزش رایگان و مناسب دست یابند. این قانون که در اواسط دهه ۱۹۷۰ در آمریکا تصویب شده است، بیان می‌کند که هر کودکی باید در محیط‌هایی با کمترین محدودیت آموزش ببیند. پس از تصویب قوانین یاد شده، اصطلاحاتی مانند یکپارچه‌سازی و آموزش فراگیر به طور گسترده به کار گرفته شده و رواج یافته است. آموزش فراگیر، مبتنی بر این باور است که افراد جامعه در نظامی فراگیر و با افراد متفاوت از نژادها، مذاهبها و ویژگی‌های گوناگون زندگی می‌کنند و مدرسه فراگیر کمک می‌کند تا کودکان در مدرسه‌ای درس بخوانند که بعدها در جامعه‌ای همانند آن زندگی خواهند کرد. همچنین آموزش فراگیر به معنای تلفیق کامل کودکان است با توانایی‌های گوناگون در همه زمینه‌های تحصیلی که دیگر به کودکان قادر به دسترسی و لذت بردن از آنها هستند و برای برآوردن نیازهای همه کودکان، در برنامه‌های درسی مدارس و کلاسهای عادی تغییر ایجاد کرده، تفاوتها را مد نظر قرار داده و با ارزش می‌داند. البته کودکان با توانایی‌های گوناگون در صورت نیاز می‌توانند کمک‌های تخصصی و آموزش ویژه را به عنوان یکی از روش‌های متعدد در دسترس دریافت کنند (Beh Vizhe et al, 2020).

آموزش و پرورش در تمام جوامع، دربرگیرنده مجموعه وسیعی از افرادی از نژادها، اقوام، فرهنگ‌های گوناگون، شرایط جسمی، حسی و ذهنی خاص است؛ به عبارت دیگر هر کودکی که قدم به مدرسه می‌گذارد،

بر این اساس آموزش و پرورش باید به گونه‌ای تغییر کند که بتواند تمام کودکان را در زیر یک سقف و در کنار همسالانشان آموزش دهد. این نوع آموزش برای همه دانش آموزان و همه نژادها، توانایی‌ها و جنسیتها ارزشمند و سودمند است (Kratochvilova, 2015) و در این طرح همه دانش آموزان صرف نظر از نیاز ویژه‌ای که دارند و با وجود تنوع و گستردگی در تفاوتها، مورد پذیرش قرار می‌گیرند؛ یعنی بر اساس این برنامه، جامعه‌ای آزاد و متنوع از نظر آموزشی در مدارس تشکیل می‌شود. هنگامی که شیوه‌های آموزشی فراگیر اجرا می‌شود، دانش آموزانی که معلولیت دارند و در مدارس محله خود شرکت می‌کنند، می‌توانند خدمات آموزشی را با همسالان بدون معلولیت خود، در کلاسهای آموزش عمومی دریافت کنند (Adib et al, 2017).

به طور کلی آموزش فراگیر، بخشی از راهبردهای ارتقای تحول و پیشرفت نظام آموزشی است که هدف آن ایجاد دنیایی با آرامش، تحمل، استفاده مناسب از منابع و عدالت اجتماعی برای تأمین نیازهای اساسی و حقوق همگانی است که بنیاد آن بر اساس اصل آموزش به عنوان حق قانونی هر انسان، در بیانیه‌های جهانی حقوق بشر به تفصیل بیان شده، حاکی از آن است که آموزش حق همه کودکان است و نباید به علت وجود زمینه‌های ناتوانی، جنسیت و زبان، تبعیضی برای آن قائل شد و سیاست‌های آموزشی باید به حد کافی تنوع‌پذیر باشند تا زمینه‌های انزوا و طرد اجتماعی فراهم نشود. با ایجاد چنین امکانی است که می‌توانیم شاهد تحقق عدالت باشیم. بر اساس مطالب بیان شده و ضرورت آموزش یکپارچه برای همه کودکان، محقق تلاش دارد تا به این هدف که شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های آموزش فراگیر برای دانش آموزان با نیازهای ویژه در آموزش و پرورش است، بپردازد.

پیشینه تحقیق:

(Gholami, 2021) در پژوهشی به بررسی میزان دانش معلمان مدارس عادی درباره دانش آموزان با نیازهای

ویژگی‌ها، علائق، توانایی‌ها و نیازهای منحصر به خود را دارد و آموزش دانش آموزان متعلق به این فرهنگ‌های متنوع و نیازهای خاص، دشواری‌ها و پیچیدگی‌های فراوان دارد؛ زیرا نیازمند رویکردی متفاوت به مقوله تربیت و فرهنگ‌پذیری است. آموزش و پرورش به عنوان یکی از نهادهای اصلی و تأثیرگذار، نقش اساسی در پیشرفت و توسعه کشور دارد و بالندگی و پویایی جامعه به‌ویژه در ابعاد فرهنگی و اجتماعی به اثربخشی و پویایی آموزش و پرورش و سیاست‌های آن وابسته است؛ بنابراین برای آموزش کودکان و دانش آموزان با نیازهای ویژه، نیازمند شناسایی مؤلفه‌های مؤثر و ارائه مدلی بومی‌سازی شده است تا کودکان با وجود تفاوت‌های یکدیگر، بتوانند در کنار هم و با هم تحصیل کنند. در حقیقت وجود تفاوت‌ها و نحوه برخورد با آنها، یکی از مسائل بنیادی آموزش و پرورش فراگیر در نظام آموزش و پرورش است (Ashman, 2015).

آموزش فراگیر عبارت است از تلفیق کامل کودکان با توانایی‌های گوناگون در همه جنبه‌های تحصیلی که دیگر کودکان قادر به دسترسی و لذت بردن از آنند. برای برآوردن نیازهای همه کودکان، آموزش فراگیر در برنامه‌های همه مدارس و کلاسهای عادی تغییر ایجاد کرده، تفاوتها را مورد توجه قرار داده، با ارزش می‌داند. این تعریف بدین معنا نیست که کودکان با توانایی‌های گوناگون در صورت نیاز، کمک‌های تخصصی آموزشی از بیرون از کلاس درس دریافت نخواهند کرد، بلکه در مقابل، آن را فقط یکی از راههای متعدد در دسترس و مورد نیاز همه کودکان می‌داند؛ بنابراین فراگیرسازی موجب حضور دانش آموزان با تفاوت‌های فردی گوناگون در یک کلاس می‌شود که این مهم می‌تواند یکی از راهکارهای دستیابی به اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش قلمداد شود که یکی از اهداف آن تأمین و بسط عدالت در برخورداری از فرصتهای تعلیم و تربیت با کیفیت مناسب با توجه به تفاوتهاست؛ بنابراین پیشبرد موفقیت‌آمیز این رویکرد، حائز اهمیت فراوانی است (Gholami, 2021).

کشور فنلاند و ژاپن» و با هدف بهبود درک جهانی آموزش فراگیر برای ایجاد تحولات مختلف فرهنگی و تاریخی انجام گرفته است. نتایج این پژوهش حاکی از تفاوت در نگرش‌هاست. در واقع، معلمان فنلاندی در آموزش دانش‌آموزان دارای مشکلات رفتاری، نگران بودند در حالی که معلمان ژاپنی دیدگاه مثبت‌تری در مورد مزایای ورود دانش‌آموزان با نیازهای ویژه داشتند و این تفاوت‌ها ریشه در تاریخچه فرهنگی و آموزش انفرادی در هر کدام از این کشورها دارد؛ به طور مثال پذیرش بالای معلمان کشور ژاپن نسبت به دانش‌آموزان دارای مشکلات رفتاری، در کلاس‌های درس، نشانگر این واقعیت است که قبل از تصویب طرح آموزش فراگیر، این دانش‌آموزان در کلاس‌های جداگانه آموزش نمی‌دیدند؛ این در حالی است که در کشور فنلاند اولین گروه‌ها برای شرکت در کلاس‌های فراگیر دانش‌آموزان دارای اختلال بینایی یا شنوایی و معلولیت جسمی-حرکتی بوده است و به همین دلیل معلمان کشور فنلاند، نگرش بهتری نسبت به آموزش فراگیر این دانش‌آموزان دارند.

(page et al, 2019) در پژوهشی که به «نگرش معلمان نسبت به آموزش فراگیر» پرداخته شده، نشان دادند که معلمان نسبت به دانش‌آموزان با نیازهای ویژه که طبعاً به توجه نیاز دارند، نگرشی منفی دارند. اگرچه حضور کمک‌مربی‌ها، این موضوع را تا حدودی بهبود می‌بخشد، با این وجود ایجاد درک درست از ناتوانی برای اجرای هرچه بیشتر آموزش فراگیر حائز اهمیت است.

(Hendi & Hemati, 2019) در تحقیق خود با عنوان فراگیرسازی کودکان با نیازهای ویژه در دوران پیش از دبستان پرداختند. نتایج نشان داد که مطالعاتی که در زمینه‌ی فراگیرسازی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه انجام شده بیشتر بر فراگیرسازی دانش‌آموزان سنین مدرسه متمرکز است و کمتر به بررسی فراگیرسازی در سنین پیش از دبستان پرداخته می‌شود و این در حالی است که آموزش کودکان با نیازهای ویژه در مهدکودک‌های فراگیر در کنار همسالان خود در طول چند دهه‌ی

ویژه و آموزش فراگیر و آمادگی آنها برای پذیرش این دانش‌آموزان در کلاس خود: گامی برای فراگیرسازی موفق پرداخت. در پژوهش توصیفی-پیمایشی حاضر، پرسشنامه‌ای برگرفته از خرده‌مقیاس «میزان دانش معلمان درباره‌ی دانش‌آموزان با نیاز ویژه و آموزش فراگیر» پرسشنامه‌ی نگرش‌سنجی استفاده شد.

خرده‌مقیاس ذکر شده به صورت یک پرسشنامه طراحی و پس از اجرای مقدماتی، در میان ۱۰۷ نفر از معلمان ابتدایی شهر بیجار که به صورت نمونه در دسترس انتخاب شده بودند توزیع گردید و میزان دانش معلمان درباره‌ی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه، آموزش فراگیر و آمادگی آنها برای پذیرش این دانش‌آموزان در کلاس بررسی شد. یافته‌ها نشان داد که معلمان حاضر در نمونه، در این زمینه دانش کافی نداشتند و با توجه به نتایج آزمون t تک نمونه‌ای، دانش معلمان به طور معناداری پایین‌تر از میانگین فرضی بود و اکثر آنها آمادگی تدریس در یک محیط فراگیر را نداشتند؛ بنابراین برای بهبود این وضعیت توصیه می‌شود معلمان داوطلب برای آموزش فراگیر شناسایی و پس از گذراندن دوره‌های آموزشی مناسب، در این جهت به کار گرفته شوند.

(Pakar, 2021) به بررسی عدالت آموزشی در حمایت از آموزش فراگیر پرداخت. طبق بیانیه‌های مختلف جهانی، آموزش حق تمام کودکان چه عادی و چه دارای نیازهای ویژه است؛ پژوهش او در مورد برقراری عدالت آموزشی در حمایت از یکپارچه‌سازی دانش‌آموزان در مدارس عمومی است؛ به عبارت دیگر همان فراگیرسازی. آموزش عالی به عنوان مهمترین نهاد در اجرای فراگیرسازی، مسئولیت دارد که همه‌ی کودکان از آموزش عمومی بهره‌مند گردند. نتیجه‌ی این مقاله، تلاش برای کاستن موانع و رفع چالش‌های موجود است و مدیران سازمان آموزش و پرورش و مدارس، در رأس عملیاتی کردن نظام فراگیرسازی‌اند.

پژوهش (Moberg, 2020) با عنوان «روش تحلیل و مقایسه‌ی نگرش معلمان نسبت به آموزش فراگیر در دو

گذشته افزایش یافته و بسیاری از کودکانی که قبلاً در مراکز جداگانه و ویژه تحصیل می‌کردند امروزه می‌توانند در مهدکودک‌های فراگیر حضور داشته باشند. همچنین مطالعات بیانگر مزیت‌های بسیار فراگیرسازی برای کودکان اعم از کودکان با و بدون نیازهای ویژه در محیط پیش از دبستان بوده و کودکان با ثبت نام در مهدکودک‌های فراگیر به موفقیت و پیشرفت‌های بسیاری نسبت به کودکان در مهدکودک‌های ویژه دست یابند. آن‌ها دریافتند که کلید ساخت فراگیرسازی موفق در دسترس بودن استراتژی فراگیر موفق و آموزش معلمین است با وجود پشتیبانی و حمایت قوی از فراگیرسازی در مهدکودک‌ها می‌باشد که، متأسفانه مطالعات انجام شده در این زمینه اندک می‌باشند.

(Kashi et al, 2018) در پژوهشی که با هدف «بررسی محیط آموزش فراگیر بر رشد حرکتی، اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان ابتدایی مبتلا به کم‌توانی ذهنی در مدارس عادی و استثنایی که با روش علی - مقایسه‌ای» صورت پذیرفت، دریافتند که رشد حرکات درشت خیلی بیشتر از رشد حرکات ظریف تحت تأثیر این محیط آموزشی قرار دارد و تأثیر این محیط آموزشی بر خرده‌مقیاس‌های رشد حرکتی نظیر هماهنگی دوسویه، تعادل، هماهنگی اندام فوقانی، قدرت، سرعت دویدن و چابکی و سرعت چالاکتی اندام فوقانی بوده است. همچنین در رشد اجتماعی، خرده‌مقیاس‌های خودیاری عمومی، اجتماعی بودن، خودیاری در خوردن، ارتباط و جابه‌جایی و حرکت، به ترتیب بیشترین تأثیر را پذیرفته‌اند و در رشد عاطفی نیز فروپاشی شخصیت، فقدان استقلال، ناسازگاری اجتماعی، بازگشت عاطفی و نبود ثبات عاطفی بیشترین تغییر را دارند. این نتایج به خوبی نشان داد اگر دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی در مدارس عادی آموزش ببینند، جنبه‌های مختلف رشد بهتری را تجربه می‌کنند و از این فواید بهره‌مند خواهند شد.

روش پژوهش

روش پژوهش کیفی، از نوع توصیفی و تحلیل مضمون با رویکرد استقرایی اکتشافی بود. در این پژوهش تا اشیاع داده‌ها از ۱۰ نفر از متخصصانی که در زمینه روان‌شناسی کودکان استثنایی، مدیریت آموزشی و آموزش فراگیر برای کودکان استثنایی کار پژوهشی انجام داده بودند به عنوان خبرگان و صاحب‌نظران، انتخاب و مصاحبه نیمه‌ساختارمند با آن‌ها انجام شد. ویژگی‌های خبرگان پژوهش که به تأیید استادان راهنما و مشاور رسیده بود، افرادی بودند که از نظر آگاهی و اطلاعات در زمینه مدیریت آموزشی و فرهنگی و روان‌شناسی کودکان با نیازهای ویژه در سازمان آموزش و پرورش استثنایی برجسته بوده و اینکه بتوانند با ارائه اطلاعات دقیق، نمادی از جامعه باشند. برای تعیین

گذشته افزایش یافته و بسیاری از کودکانی که قبلاً در مراکز جداگانه و ویژه تحصیل می‌کردند امروزه می‌توانند در مهدکودک‌های فراگیر حضور داشته باشند. همچنین مطالعات بیانگر مزیت‌های بسیار فراگیرسازی برای کودکان اعم از کودکان با و بدون نیازهای ویژه در محیط پیش از دبستان بوده و کودکان با ثبت نام در مهدکودک‌های فراگیر به موفقیت و پیشرفت‌های بسیاری نسبت به کودکان در مهدکودک‌های ویژه دست یابند. آن‌ها دریافتند که کلید ساخت فراگیرسازی موفق در دسترس بودن استراتژی فراگیر موفق و آموزش معلمین است با وجود پشتیبانی و حمایت قوی از فراگیرسازی در مهدکودک‌ها می‌باشد که، متأسفانه مطالعات انجام شده در این زمینه اندک می‌باشند.

(Eslami, 2019) در پژوهشی با عنوان شناسایی مؤلفه‌های عدالت آموزشی در آموزش و پرورش ایران پرداختند. روش پژوهش کیفی، از نوع توصیفی و تحلیل مضمون با رویکرد استقرایی اکتشافی که حوزه پژوهش ۷۶ مورد مقالات، اسناد و کتب مندرج در پایگاه‌ها، وبسایت‌ها و کتابخانه‌ها که به تفکیک ۶۱ مقاله، ۶ پایان‌نامه، ۹ کتاب و سند آموزشی بود. با توجه به ادبیات نظری مؤلفه‌ها و مضامین استخراج گردید. یافته‌ها نشان داد که عدالت آموزشی شامل سه مضمون فراگیر با عنوان بسترسازی عادلانه توزیع منابع، بهره‌مندی عادلانه از منابع و شایسته‌پروری و ۱۲ مضمون سازمان‌دهنده شامل مشارکت جمعی، همه‌جانبه‌نگری برنامه درسی، تصمیم‌سازی عادلانه، شایسته‌سالاری، پوشش دادن همه مخاطبان، بهسازی مدارس، مدیریت بهینه منابع مالی، توجه به وضعیت بهداشت یادگیرندگان، توانمندسازی یادگیرندگان، ارتقای کیفیت آموزش، بهبود فرآیند ارزشیابی، تعامل منصفانه و ۸۲ مضمون پایه است. برای تحقق عدالت آموزشی در طراحی و تدوین برنامه‌ها به این مؤلفه‌ها باید توجه شود تا کلیه یادگیرندگان در همه مناطق کشور به شکل عادلانه از فرصت‌های آموزشی و تربیتی بهره‌برند.

استخراج مؤلفه‌های مربوط به مدل آموزش فراگیر برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در آموزش و پرورش، از نظر خبرگان دربارهٔ عواملی که بر آموزش فراگیر برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در مدارس پذیرا تأثیرگذار است نیز سؤال شده است. پس از تحلیل و کدگذاری مصاحبه‌ها، معلوم گردید که عوامل مذکور را چنین خلاصه کرد. عوامل مؤثر بر آموزش فراگیر برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در نظام آموزش و پرورش و همچنین جدول اشباع نظری در اینجا آمده است.

در جدول ۱ ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدل به همراه فراوانی و اشاره به هر کدام در مصاحبه‌ها به طور کامل آمده است:

مشارکت‌کنندگان این پژوهش و تعیین این گروه از خبرگان، از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند استفاده شد. ابزارهای گردآوری پاسخ مصاحبه‌شوندگان بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با کدگذاری باز، محوری و انتخابی با استفاده از نرم‌افزارهای MAXQDA 2018، انجام گرفت.

یافته‌ها:

در این پژوهش ۱۰ مصاحبه صورت گرفته است که در ادامهٔ جدول‌های کدگذاری شده که بخشی از گفته‌های مصاحبه‌کننده و شامل کدهای انتخابی، کدهای محوری و کدهای باز است، آورده شد. در این تحقیق علاوه بر

جدول ۱ نظرات خبرگان در ابعاد و مؤلفه‌ها و شاخص‌های آموزش فراگیر برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در آموزش و

پرورش

کدهای انتخابی	کدهای محوری	کدهای باز	فراوانی	
توسعهٔ سرمایه‌های فرهنگی	همکاری با رسانه‌های جمعی	آگاهی بخشی از طریق صدا و سیما	۱۱	
		بهره‌برداری از رسانه‌های بومی و محلی	۱۴	
	فرهنگ سازیت ۷ (بسترسازی فرهنگی و اجتماعی)	برگزاری، سمینار و گفتگو در زمینهٔ پذیرش کودکان با نیازهای ویژه	۱	
		جلب حمایت نهادهای دولتی و خصوصی در ایجاد نگرش مثبت	۳	
توسعهٔ منابع انسانی	تربیت معلمان با تخصص ویژه	همکاری با سایر ارگان‌ها (شهرداری، کانون پرورش فکری)، در تغییر نگرش و فرهنگ‌سازی در مدرسه	۴	
		برگزاری همایش‌های علمی و آموزشی	۶	
		جذب معلمان با نگرش مثبت	۷	
	بهره‌گیری از نیروی انسانی متخصص	آموزش معلمان در دوره‌های آموزشی	افزایش انگیزه در معلمان	۱۱
			تناسب میان تعداد دانش‌آموزان و معلمان متخصص	۱۳
			تعیین استانداردهای ارزیابی عملکرد	۱۵
	ارتباط بین خانواده و مدرسه	ارزیابی عملکرد آموزشی معلمان	بررسی دیدگاه معلمان در طی روند آموزش	۵
			شناسایی عوامل مؤثر بر نگرش معلمان	۴
		بهره برداری از تجارب خانواده‌ها	بهبود در انجام امور و فعالیت‌ها	۲
			بهره‌گیری از تجارب خانواده‌ها دربارهٔ آموزش	۱

کدهای انتخابی	کدهای محوری	کدهای باز	فراوانی	
	مشارکت خانواده‌ها در سیاست‌گذاری	تعامل خانواده و مدرسه	۷	
		شرکت دادن والدین در برنامه‌ها و ارزشیابی آموزشی	۵	
آماده سازی زیر ساخت‌های آموزشی	مناسب سازی محیطی و مناسب سازی آموزشی	بهبود منابع آموزشی	۴	
		بهبود فضای فیزیکی مدارس	۹	
		کاهش تفاوت بین انواع آموزش	۳	
	بسترسازی و آماده‌سازی زیربنای آموزش تلفیقی و فراگیر	انجام تحقیقات تطبیقی جهت بهبود کیفیت آموزشی	۸	
		متناسب نمودن توانایی معلمان با نیاز و نوع معلولیت دانش‌آموزان	۴	
پاسخ‌گویی به نیازهای آموزشی	خلاقیت در روش‌های تدریس	شناخت توانایی دانش‌آموزان برای نحوه برخورد	۲	
		آموزش‌های مبتنی بر رشد جسمانی، اجتماعی و عاطفی	۶	
		رشته‌های تحصیلی مناسب	۸	
		ایجاد زمینه‌های آموزشی مناسب	۹	
نظارت و پیگیری	نظارت و پیگیری بر روند آموزشی و معلمان	پژوهش تطبیقی درباره آموزش معلمان	۴	
		نظارت بر فعالیت معلمان	۲	
		بررسی روزانه یا امتحان گرفتن	۱	
	نظارت و پیگیری بر روند تحصیلی دانش‌آموزان	نظارت و پیگیری بر روند آموزشی و معلمان	نظارت بر پیشرفت تحصیلی	۴
			پیگیری مستمر از طرف والدین	۶
			تطبیق میان روش‌های تدریس و ارزیابی میان دانش‌آموزان متفاوت	۸
			تدوین قوانین مناسب جهت رشد آموزشی معلمان و دانش‌آموزان	۹
نظارت و پیگیری مستمر	برنامه‌ریزی در برگزاری دوره‌های آموزشی	ایجاد انگیزه در معلمان و دانش‌آموزان	۱۱	
		رفع اشکالات در مدارس	۱۷	
		تأثیر بر رشد اجتماعی دانش‌آموزان	۱۴	
		تعامل دانش‌آموزان با سایر دانش‌آموزان	۱۲	
		کمک به تغییر نگرش با ایجاد تعامل	۱۱	
تعامل مستمر با آموزش و پرورش	تعامل میان مدارس استثنایی و آموزش و پرورش	ارتباط مؤثر با معلمان	۷	
		آگاهی‌بخشی به مناطق آموزش و پرورش	۵	

همچنین جدول اشباع نظری در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲ ابعاد، مؤلفه و شاخصهای آموزش فراگیر برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در آموزش و پرورش

Code System	مفاهیم	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	SUM
همکاری با رسانه های جمعی							1	4	3	1		9
آگاهی بخشی از طریق صدا و سیما						1	1					2
بهره برداری از رسانه های بومی و محلی					1	1						2
فرهنگ سازی						3	3	2	3	2	4	17
بهره برداری از سمینارها										1	1	2
کمک گرفتن از نهادهای دولتی و خصوصی							2					2
همکاری با سایر ارگان ها						1	1					2
تربیت معلمان با تخصص ویژه	5							2	5	2	2	16
برگزاری همایش های علمی و آموزشی											1	1
جذب معلمان با نگرش مثبت	1								1			2
شرکت معلمان در دوره های آموزشی	2							1	1			4
بهره گیری از نیروی انسانی متخصص	3		4	4	3	2	2		2	2	1	23
افزایش انگیزه در معلمان				1								1
تناسب میان تعداد دانش آموزان و معلمان متخصص			3									3
ارزیابی عملکرد آموزشی معلمان	5						3				1	9
تعیین استانداردهای ارزیابی عملکرد							3					3
بررسی دیدگاه معلمان در طی روند آموزش	2											2
شناسایی عوامل موثر بر نگرش معلمان	2										1	3
بهره برداری از تجارب خانواده ها					2	2	2	1	1		1	9
بهبود در انجام امور و فعالیت ها					1							1
تجارب خانواده ها در خصوص آموزش					1	1						2
مشارکت خانواده ها در سیاست گذاری							8	2	1	1	1	13
تعامل خانواده و مدرسه			4	6	3	3	5	4		1	1	27
شرکت دادن والدین در برنامه ها و ارزشیابی آموزشی							4		1			5
بستر سازی و آماده سازی زیر بنای آموزش تلفیقی و فراگیر	2		10	4			2	1	3		3	25
انجام تحقیقات تطبیقی جهت بهبود کیفیت آموزشی			2									2
متناسب نمودن توانایی معلمان با نیاز و نوع معلولیت دانش آموزان	2											2
مناسب سازی محیطی و مناسب سازی آموزشی	4				6	1	5	1	2		1	20
بهبود منابع آموزشی						1	1					2
بهبود فضای فیزیکی مدارس					2		1					3
کاهش تفاوت بین انواع آموزش	2							1				3
روش های تدریس	2		1									3
شناخت توانایی دانش آموزان جهت نحوه برخورد			1									1
آموزش های مبتنی بر رشد جسمانی، اجتماعی و عاطفی	1	1	1									3
بستر سازی جهت رشد علمی و ورود به اجتماع	4					4	2	3	1	1	1	16
رشته های تحصیلی مناسب	2					2						4
ایجاد زمینه های آموزشی مناسب	3											3
نظارت و پیگیری بر روند آموزشی و معلمان			2	1							1	4
پژوهش تطبیقی در خصوص آموزش معلمان											1	1
نظارت بر فعالیت معلمان				1								1
نظارت و پیگیری بر روند تحصیلی دانش آموزان	1	1	1				1	1				5
بررسی روزانه یا امتحان گرفتن	1											1
نظارت بر پیشرفت تحصیلی		1										1
پیگیری مستمر از طرف والدین			1									1
برنامه ریزی جهت برگزاری دوره های آموزشی	1	2	2	1	2		4	2	1	1	4	20
تطبیق میان روش های تدریس و ارزیابی میان دانش آموزان متفاوت			1				1	1				3
تدوین قوانین مناسب جهت رشد آموزشی معلمان و دانش آموزان			1	1			2			1		5
ایجاد انگیزه در معلمان و دانش آموزان		1			1				1		1	4
رفع اشکالات در مدارس		1					1	1				3
آموزش در مدارس عادی و تلفیقی	9											9
تأثیر بر رشد اجتماعی دانش آموزان	3											3
تعامل دانش آموزان با سایر دانش آموزان	2											2
تعامل میان مدارس استثنایی و آموزش و پرورش		4	6	4		1	1		2	3	2	23
کمک به تغییر نگرش با ایجاد تعامل			4			1	1			1	1	8
ارتباط موثر با معلمین		1	1							1		3
آگاهی بخشی به مناطق آموزش و پرورش		2		2							1	5
SUM	59	14	46	24	22	24	57	27	28	18	30	349

آموزش و پرورش شامل ۱- توسعه سرمایه های فرهنگی
 ۲- توسعه منابع انسانی ۳- ارتباط بین خانواده و مدرسه
 ۴- آماده سازی زیر ساخت های آموزشی ۵- پاسخگویی به
 نیازهای آموزشی ۶- نظارت و پیگیری مستمر ۷- تعامل
 مستمر با آموزش و پرورش است.

پس از رسیدن به اشباع نظری، مصاحبه و کدگذاری به
 پایان رسید. فرآیند کدگذاری و تحلیل متنی مصاحبه ها
 در نرم افزار تحلیل داده های کیفی MAXQDA 2018
 انجام گردید. بر این اساس نتایج به دست آمده ابعاد
 آموزش فراگیر برای دانش آموزان با نیازهای ویژه در

تغییر یابد تا تمام کودکان با تفاوت‌های فردی و فرهنگی مختلف در کنار هم و در یک نظام آموزشی یاد بگیرند. پژوهش حاضر با هدف شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های آموزش فراگیر برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در آموزش و پرورش انجام گرفته است. بر اساس نتایج به دست آمده و با توجه به تحلیل کیفی در مجموع ۷ کد انتخابی، ۱۶ کد محوری و ۴۰ کد باز برای آموزش فراگیر در سازمان آموزش و پرورش شناسایی گردید. ابعاد شناسایی شده شامل ۱- توسعه سرمایه‌های فرهنگی ۲- توسعه منابع انسانی ۳- ارتباط بین خانواده و مدرسه ۴- آماده‌سازی زیرساخت‌های آموزشی ۵- پاسخگویی به نیازهای آموزشی ۶- نظارت و پیگیری مستمر ۷- تعامل مستمر با آموزش و پرورش است.

نتایج این پژوهش نشان داد در بعد توسعه سرمایه‌های فرهنگی (سرمایه فرهنگی مدرسه، خانواده و دانش‌آموز) می‌توان از مؤلفه‌های ایجاد، همکاری با رسانه‌های جمعی و فرهنگ‌سازی در آموزش فراگیر استفاده نمود. در این باره با استفاده از آگاهی‌بخشی از طریق برنامه‌ها در صدا و سیما، بهره‌برداری از رسانه‌های بومی و محلی، بهره‌برداری از سمینارها، کمک گرفتن از نهادهای دولتی و خصوصی و همکاری با سایر ارگان‌ها قابلیت اجرا و این سرمایه فرهنگی را می‌توان رشد داد. نتایج این پژوهش با نتیجه (Moberg, 2020) مطابقت دارد. در پژوهشی با «روش تحلیل و مقایسه نگرش معلمان نسبت به آموزش فراگیر در دو کشور فنلاند و ژاپن» و با هدف بهبود درک جهانی آموزش فراگیر برای ایجاد تحولات مختلف فرهنگی و تاریخی انجام گرفته است. نتایج این پژوهش حاکی از تفاوت در نگرش‌هاست. در واقع، معلمان فنلاندی در آموزش دانش‌آموزان دارای کودکان دارای مشکلات رفتاری نگران بودند در حالی که معلمان ژاپنی دیدگاه مثبت‌تری در مورد مزایای ورود دانش‌آموزان با نیازهای ویژه داشتند و این تفاوت‌ها ریشه در تاریخچه فرهنگی و آموزش انفرادی در هر کدام از کشورها دارد به طور مثال پذیرش بالای معلمان کشور ژاپن نسبت به

برای رشد علمی و ورود به اجتماع ۱۲- نظارت و پیگیری بر روند آموزشی و معلمان ۱۳- نظارت و پیگیری بر روند تحصیلی دانش‌آموزان ۱۴- برنامه‌ریزی برگزاری دوره‌های آموزشی ۱۵- آموزش در مدارس عادی و تلفیقی ۱۶- تعامل میان مدارس استثنایی و آموزش و پرورش است. همچنین بر اساس نتایج به دست آمده در مجموع ۷ بعد، ۱۶ مؤلفه و ۴۰ شاخص برای آموزش فراگیر در آموزش و پرورش شناسایی گردید. شکل ۱ مدل نهایی ابعاد و مؤلفه‌ها و شاخص‌های آموزش فراگیر در آموزش و پرورش است.

نتیجه‌گیری و بحث و مقایسه

اجرای آموزش فراگیر با هدف اصلاح و برطرف کردن محدودیت‌ها و موانع موجود برای دستیابی به یک نظام آموزش و پرورش کارآمد شکل گرفته است و آنچه از بررسی پژوهش‌های مربوط به آموزش فراگیر برداشت می‌شود این است که اجرای نظام آموزش فراگیر موجب ارتقا و افزایش عملکرد تحصیلی و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه می‌شود. با این وجود در مسیر حرکت به سوی آموزش فراگیر، از تصویب قانونی تا ترویج و اشاعه آن از سوی متخصصان و والدین، به‌خوبی مشهود است که موانع و چالش‌هایی در مسیر اجرایی آموزش فراگیر وجود دارد که ادامه این روند را با مشکل روبه‌رو می‌سازد. اجرای آموزش فراگیر با وجود اینکه چند دهه از طرح زمینه‌های جهانی آن و همچنین راهبردهای کلان سند تحول بنیادین آموزش و پرورش می‌گذرد ولی یکی از چالش‌های فراروی نظام آموزش و پرورش ایران محسوب می‌گردد؛ زیرا برای تحقق آموزش با رویکرد فراگیرسازی، نظام آموزش و پرورش نیازمند تحول، تغییر اساسی و پایدار و نوع آوری است و محور اصلی تحول و توسعه آموزش فراگیر در آموزش معلمان و بهبود کیفیت کار آنان است تا با افزایش سطح آگاهی و ارتقای مهارت‌ها و تبادل نظر با متخصصان، بتوانند پاسخگوی شرایط و وضعیت متنوع دانش‌آموزان باشند؛ به عبارت دیگر نظام آموزشی، باید به گونه‌ای

عاطفی نیز فروپاشی شخصیت، فقدان استقلال، ناسازگاری اجتماعی، بازگشت عاطفی و نبود ثبات عاطفی بیشترین تغییر را دارند. این نتایج به خوبی نشان داد اگر دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی در مدارس عادی آموزش ببینند، جنبه‌های مختلف رشد بهتری را تجربه می‌کنند و از این فواید بهره‌مند خواهند شد.

در بعد ارتباط بین خانواده و مدرسه با استفاده از مؤلفه‌های بهره‌برداری از تجارب خانواده‌ها و مشارکت آنان در سیاست‌گذاری می‌توان در آموزش فراگیر در نظام آموزش و پرورش استفاده نمود و در اجرای درست آنها در آموزش و پرورش با استفاده از، بهبود در انجام امور و فعالیت‌ها، تجارب خانواده‌ها در مورد آموزش، تعامل خانواده و مدرسه و شرکت دادن والدین در برنامه‌ها و ارزشیابی آموزشی بهره گرفت. نتایج این پژوهش با نتیجه (Moberg, 2020) مطابقت دارد. آنها در پژوهشی با «روش تحلیل و مقایسه نگرش معلمان نسبت به آموزش فراگیر در دو کشور فنلاند و ژاپن» و با هدف بهبود درک جهانی آموزش فراگیر برای ایجاد تحولات مختلف فرهنگی و تاریخی انجام گرفته است. نتایج این پژوهش حاکی از تفاوت در نگرش‌هاست. در واقع، معلمان فنلاندی در آموزش دانش‌آموزان دارای کودکان دارای مشکلات رفتاری نگران بودند در حالی که معلمان ژاپنی دیدگاه مثبت‌تری در مورد مزایای ورود دانش‌آموزان با نیازهای ویژه داشتند؛ این تفاوت‌ها ریشه در تاریخچه فرهنگی و آموزش انفرادی در هر کدام از کشورها دارد به طورمثال پذیرش بالای معلمان کشور ژاپن نسبت به دانش‌آموزان دارای مشکلات رفتاری در کلاس‌های درس، نشانگر این واقعیت است که قبل از تصویب طرح آموزش فراگیر، این دانش‌آموزان در کلاس‌های جداگانه آموزش نمی‌دیدند؛ این در حالی است که در کشور فنلاند اولین گروه‌ها برای شرکت در کلاس‌های فراگیر دانش‌آموزان دارای اختلال بینایی یا شنوایی و معلولیت جسمی-حرکتی بوده‌اند و به همین دلیل معلمان کشور فنلاند، نگرش بهتری نسبت به آموزش فراگیر این دانش‌آموزان دارند.

دانش‌آموزان دارای مشکلات رفتاری در کلاس‌های درس نشانگر این واقعیت است که قبل از تصویب طرح آموزش فراگیر، این دانش‌آموزان در کلاس‌های جداگانه آموزش نمی‌دیدند و این در حالی است که در کشور فنلاند اولین گروه‌ها برای شرکت در کلاس‌های فراگیر دانش‌آموزان دارای اختلال بینایی یا شنوایی و معلولیت جسمی-حرکتی بوده است و به همین دلیل معلمان کشور فنلاند نگرش بهتری نسبت به آموزش فراگیر این دانش‌آموزان دارند.

در بعد توسعه منابع انسانی با کمک مؤلفه‌های تربیت معلمان با تخصص ویژه، بهره‌گیری از نیروی انسانی متخصص و ارزیابی عملکرد آموزشی معلمان بهره جست و برای اجرای درست آنها در سازمان آموزش و پرورش با استفاده از برگزاری همایش‌های علمی و آموزشی، جذب معلمان با نگرش مثبت، شرکت معلمان در دوره‌های آموزشی افزایش انگیزه در معلمان، تناسب میان تعداد دانش‌آموزان و معلمان متخصص، تعیین استانداردهای ارزیابی عملکرد، بررسی دیدگاه معلمان در طی روند آموزش، شناسایی عوامل مؤثر بر نگرش معلمان در آموزش فراگیر در نظام آموزش و پرورش می‌توان استفاده نمود. نتایج این پژوهش با نتیجه (Kashi et al, 2018) مطابقت دارد. آنها در پژوهشی که با هدف «بررسی محیط آموزش فراگیر بر رشد حرکتی، اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان ابتدایی مبتلا به کم‌توانی ذهنی در مدارس عادی و استثنایی که با روش علی-مقایسه‌ای» صورت پذیرفت، پژوهشگران دریافتند که رشد حرکات درشت خیلی بیشتر از رشد حرکات ظریف تحت تأثیر این محیط آموزشی قرار دارد و تأثیر این محیط آموزشی بر خرده‌مقیاس‌های رشد حرکتی نظیر هماهنگی دوسویه، تعادل، هماهنگی اندام فوقانی، قدرت، سرعت دویدن و چابکی و سرعت چالاک‌اندام فوقانی بوده است. همچنین در رشد اجتماعی، خرده‌مقیاس‌های خودیاری عمومی، اجتماعی بودن، خودیاری در خوردن، ارتباط و جابه‌جایی و حرکت، به ترتیب بیشترین تأثیر را پذیرفته‌اند و در رشد

میان مدارس استثنایی و آموزش و پرورش عادی می‌توان در آموزش فراگیر در نظام آموزش و پرورش استفاده نمود و در اجرای درست آنها در آموزش و پرورش، از تأثیر بر رشد اجتماعی دانش‌آموزان، تعامل دانش‌آموزان با سایر دانش‌آموزان، کمک به تغییر نگرش با ایجاد تعامل، ارتباط مؤثر با معلمان، آگاهی‌بخشی به مناطق آموزش و پرورش در آموزش فراگیر در نظام آموزش و پرورش استفاده نمود.

مطالعاتی که در زمینه فراگیرسازی انجام شده، بیشتر بر سنین مدرسه متمرکز بوده است؛ این در حالی است که آموزش کودکان با نیازهای ویژه در مهد کودک‌های فراگیر در طی چند دهه اخیر افزایش یافته و بسیاری از کودکانی که قبلاً در محیط‌های جداگانه و موقعیت‌های ویژه تحصیل می‌کردند، چندی است در محیط‌های مشترک با کودکان سالم آموزش می‌بینند.

تحقیقات محققانی همچون (Hendi & Hemati, 2018)، (Kashi, et al. 2018) به بررسی محیط آموزش فراگیر بر رشد حرکتی، اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان ابتدایی مبتلا به کم‌توانی ذهنی در مدارس عادی و استثنایی پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنها نشان داد اگر دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی در مدارس عادی آموزش ببینند، جنبه‌های مختلف رشد بهتری را تجربه می‌کنند و از این فواید بهره‌مند خواهند شد. (Moberg, 2020) در پژوهشی با «روش تحلیل و مقایسه نگرش معلمان نسبت به آموزش فراگیر در دو کشور فنلاند و ژاپن پرداختند. (page et al, 2019) در پژوهشی به «نگرش معلمان نسبت به آموزش فراگیر» پرداختند؛ نتایج تحقیق آنها نشان داد معلمان نسبت به دانش‌آموزان با نیازهای ویژه که طبعاً به توجه نیاز دارند، نگرش منفی‌ای دارند. بر اساس نتایج به دست آمده برای سازمان آموزش و پرورش استثنای کشور پیشنهاد می‌گردد:

۱- آموزش فراگیر برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه با توجه به ابعاد و مؤلفه‌های به دست آمده، نیازمند سیاست‌گذاری در گسترش برابری فرصت‌ها و تأمین همه‌جانبه عدالت آموزشی و تربیتی است و برای

در بعد آماده‌سازی زیرساخت‌های آموزشی می‌توان از مؤلفه‌های، مناسب‌سازی محیطی و مناسب‌سازی آموزشی، بسترسازی و آماده‌سازی زیربنای آموزش تلفیقی و فراگیر در نظام آموزش و پرورش استفاده نمود و برای اجرای درست آنها در نظام آموزش و پرورش، از بهبود منابع آموزشی، بهبود فضای فیزیکی مدارس، کاهش تفاوت بین انواع آموزش، انجام تحقیقات تطبیقی در بهبود کیفیت آموزشی، متناسب نمودن توانایی معلمان با نیاز و نوع معلولیت دانش‌آموزان در آموزش فراگیر در نظام آموزش و پرورش استفاده نمود.

در بعد پاسخگویی به نیازهای آموزشی می‌توان از مؤلفه‌های روش‌های تدریس و بسترسازی برای رشد علمی و ورود به اجتماع در آموزش فراگیر در نظام آموزش و پرورش استفاده نمود و برای اجرای درست آنها در آموزش و پرورش، از شناخت توانایی دانش‌آموزان در نحوه برخورد، آموزش‌های مبتنی بر رشد جسمانی، اجتماعی و عاطفی، رشته‌های تحصیلی مناسب، ایجاد زمینه‌های آموزشی مناسب برای آموزش فراگیر در نظام آموزش و پرورش استفاده نمود.

در بعد نظارت و پیگیری مستمر، می‌توان از مؤلفه‌های نظارت و پیگیری بر روند آموزشی و معلمان، نظارت و پیگیری بر روند تحصیلی دانش‌آموزان و برنامه‌ریزی برای برگزاری دوره‌های آموزشی در آموزش فراگیر در نظام آموزش و پرورش استفاده نمود و جهت اجرای درست آنها در سازمان آموزش و پرورش، از پژوهش تطبیقی در مورد آموزش معلمان، نظارت بر فعالیت معلمان، بررسی روزانه یا امتحان گرفتن، نظارت بر پیشرفت تحصیلی، پیگیری مستمر از طرف والدین، تطبیق میان روش‌های تدریس و ارزیابی میان دانش‌آموزان متفاوت، تدوین قوانین مناسب در رشد آموزشی معلمان و دانش‌آموزان، ایجاد انگیزه در معلمان و دانش‌آموزان، رفع اشکالات در مدارس برای آموزش فراگیر در نظام آموزش و پرورش استفاده نمود.

در بعد تعامل مستمر با آموزش و پرورش، می‌توان از مؤلفه‌های آموزش در مدارس عادی و تلفیقی و تعامل

- Training on the Regular Primary Teacher's Attitude Toward Inclusive Education of students with Hearing Impairment. *JOEC.*; 9 (2):121-132. URL: <http://joec.ir/article-1-322-fa.html>
- Behpajoo, A. And Ashouri, M., (2014), Students with Special Needs and Inclusive Education, *Payvand Educational Monthly*, 420, pp. 7-14.
- Eslami Harandi, F., karimi, F., Nadi, M. (2019). Identifying the Components of Educational Justice in Iran, *s Education. Journal of Research in Educational Science*, 13(47), 55-75. doi: 10.22034/jiera.2019.150212.1645
- Exceptional Education Organization of the country. (2013), Executive Rules of the Regulations for Integrated-Inclusive Education of Children with Special Needs. Resolution of the eight hundred and fifty-fourth session of the Higher Education Council.
- Hendi T, hemmati S. (2019) Inclusion of children with special needs in preschool. *J Except Educ.*; 1 (156):41-54. URL: <http://exceptionaleducation.ir/article-1-1323-fa.html>
- Hornby, G. (2012). Inclusive education for children with special educational needs: A critique of policy and practice in New Zealand. *Journal of International and Comparative Education*, 1(1), 52-60.
- Gholami, N., (2021). Assessing the number of ordinary school teachers regarding students with special needs and inclusive education and their readiness to admit these students to their classrooms: A step towards successful inclusion. *Journal of Educational Research*. Volume 7, Number 72
- Kashi, A., Ghorbanzadeh, B., Shirvaniha, Z. (2018). The Effect of Inclusive Education System in Elementary Schools on Motor, Social and Emotional Development of Students with Intellectual Disability. *Motor Behavior*, 10(33), 105-124. doi: 10.22089/mbj.2018.5424.1631
- موفقیت این برنامه بهتر است سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان، مدل آموزش فراگیر با نگاه بومی و محلی را راهنمای عمل خود قرار دهند.
- ۲- یا توجه به آنکه معلمان مهم‌ترین عامل شکل‌دهی فعالیتهای آموزشی‌اند و باید پاسخگوی شرایط و وضعیت متنوع دانش‌آموزان با توانایی‌ها و فرهنگهای مختلف باشند؛ معلمان آموزش و پرورش (استثنایی و عادی) نیازمند افزایش سطح آگاهی و ارتقای مهارتند که بهتر است با برنامه‌ریزی مناسب در برگزاری دوره‌های آموزشی برای توانمندسازی معلمان و همچنین تطبیق روش‌های تدریس و ارزیابی میان دو گروه دانش‌آموزان، تفاوت‌ها شناسایی و برای همسوسازی فراگیران در تمام سطوح آموزش اقدام نمایند.
- ۳- با توجه به شرایط جسمی فراگیران، بهتر است برای دستیابی به عدالت آموزشی و تربیتی و بهره‌مندی آنان از امکانات و تسهیلات موجود، منابع به شکل عادلانه و با توجه به شرایط کلیه فراگیران مدیریت و توزیع گردد.
- ۴- برای افزایش سطح کیفی عملکرد آموزشی سعی شود نظارت و پیگیری بیشتری بر روند تحصیلی این دانش‌آموزان داشته باشند تا روند آموزشی به درستی و همسو با اهداف آموزش و پرورش کودکان و دانش‌آموزان با نیازهای ویژه قرار گیرد.
- ۵- بهتر است با بسترسازی مناسب برای رشد علمی و ورود این عزیزان به اجتماع، سعی شود تا آنها بتوانند، این امکان را برای حضور در جامعه و مدرسه به عنوان عضوی مؤثر به دست آورند.
- ۶- وجود فرهنگ مشارکت یکی از الزاماتی است که در سیاست‌گذاری برای آموزش فراگیر باید مد نظر قرار گیرد تا تمام نخبگان و اندیشمندان و صاحب‌نظران مسائل فرهنگی، خود را در امر تعلیم و تربیت و در نظام آموزشی کشور سهیم بدانند.

منابع

Alizadeh, H. Saeedi, A. Hosseinzadeh, P. A. (2009) The Impact of Inclusive In-service

- Lorman, Tim; Doppler, Young and Harvey, David., (2012), *Inclusive Education: A Practical Guide to Supporting Learners with Different Abilities*, translated by Ahmad Pajoooh and Abbas Ali Hossein Khanzadeh. Tehran: University of Tehran Press.
- Maleki, Hassan., (2015), *Life Skills for Youth and Adolescents*, Tehran: Ayizh Publications.
- Moberg, S, Muta, E., Korenaga, K., Kuorelahti, M., & Savolainen, H. (2020). Struggling for inclusive education in Japan and Finland: teachers' attitudes towards inclusive education. *European Journal of Special Needs Education*, 35(1), 100-114.
- Page, A., Boyle, C., McKay, K., & Mavropoulou, S. (2019). Teacher perceptions of inclusive education in the Cook Islands. *Asia-Pacific Journal of Teacher Education*, 47(1), 81-94.
- Pakar ., Z., (2021). Investigating educational justice in support of inclusive education. First National Conference on Futurology, Educational Sciences and Psychology
- Stubbs, S. (2008). *Inclusive Education: Where There Are Few Resources*. Oslo, Norway: The Atlas Alliance.
- Yada, A., & Savolainen, H. (2017). Japanese in-service teachers' attitudes toward inclusive education and self-efficacy for inclusive practices. *Teaching and Teacher Education*, 64, 222-229.